

شرق

با بسته‌شدن درچه‌های سد؛ بار دیگر رودخانه زاینده‌رود خشک شد و ماهیان و آبزیان زیادی در حال تلف‌شدن هستند، عکس: حمیدرضا نیکومرام، فارس



تومان می‌ارزد و ۴۵ هزار تومان به سفره او اضافه می‌شود. از سوی دیگر، تولیدمثل ارزان‌ترین و تنها تفریح روستاییان است؛ پس نرخ تولید موالید بالا می‌رود و در دشت و بیابان، بدون تقریبا هیچ‌گونه امکاناتی، از کپر و اتاق‌های بلوکی بچه‌های برهنه با لباس‌های مندرس و پابرهنه بیرون می‌ریزند و در مقابل سرعت نهادهای خیریه و فعالین برای کمک‌های بیشتر و پوشاندن ت‌ها و باهای برهنه و شکم‌های گرسنه و دست‌های بی‌اسباب‌بازی و قلم و دفتر، بیشتر و بیشتر می‌شود. نتیجه؟ روستایی دیگر عزت‌نفس ندارد، از درازکردن دستش خجالت نمی‌کشد، داشته‌هایش را پنهان می‌کند و خواسته‌هایش بیشتر می‌شود و البته تمامی ندارد. تلویزیون، یخچال، بخاری، کولر، فرش، لباس، غذا؛ فهرستی بلندبالا از خواسته‌های بی‌پایان. نته‌تها دست‌های خودش دراز است، بلکه کودکان نیز با همین روش تربیت می‌شوند که همیشه از نداری و فقری که گاه اغراق شده است، طوری سخن بگویند که بیشترین تأثیر را روی مخاطب داشته باشد و مسبب جدی این نتیجه‌تکان‌دهنده، نیکوکاران و فعالانی هستند که از سر مهر و وظیفه انسانی به این کار همت گمارده‌اند. ما در مسیر آزمون، به خطایی جدی رسیده‌ایم و از این‌رو است که باید به‌طورفوری در روش‌های خود تجدید نظر کرده، تغییر مسیر دهیم. آیا این به معنای رهاکردن روستاها و روستاییان است؟ به‌ویجه، روستاییان بسیاری از نقاط محروم و وضعیت روستاییان مناطق فقیرنشین است، که از فقر به سر می‌برند. در عین حال تنبل هم نشده‌اند؛ نشسته‌اند و چشم به راه گروه‌های مختلف نیکوکاری. گویا هرگز یک کشاورز نبوده‌اند. از فرط بی‌کاری، پای بساط تریاک می‌نشینند و همان معیشت نینم‌نیز اغلب بر عهده زنان است که با قالی‌بافی، سوزن‌دوزی یا پته‌دوزی تأمین می‌شود و این تشریمی وحشتناک و قابل تأمل از وضعیت روستاییان مناطق فقیرنشین است. چه باید کرد؟ در یک جمله: تغییر روش. نهادهای خیریه و فعالان در صورت تمایل به ادامه کمک به روستاییان، به یک بازنگری فوری نیاز دارند. اگر به حل مشکلات روستاییان علاقه‌مند و واقف هستید، باید بلافاصله کمک‌های فردی به کمک‌های جمعی تبدیل شود؛ یعنی توانمندسازی روستاییان و انجام امور زیربنایی. جدی‌ترین معضل روستاییان، علاوه بر جاده، نبود یا کمبود آب است. ورود در حوزه راهسازی که وظیفه ساختار دولتی است، اغلب هزینه‌بر است و از عهده نهادهای مدنی خارج؛ اما در بحث آب می‌توان مشارکت کرد. مثلا با حفر چاه‌های آب (آب شرب یا کشاورزی)، خرید کنور و انشعاب آب برای خانواده‌های روستایی که ناتوان از تأمین چنین هزینه‌هایی هستند، خرید کنور گاز برای معدود روستاهای دارای گاز لوله‌کشی‌شده. قدر مسلم انجام چنین اموری که کاملا زیربنایی محسوب شده و

یادداشت

این یک هشدار جدی است

تومان می‌ارزد و ۴۵ هزار تومان به سفره او اضافه می‌شود. از سوی دیگر، تولیدمثل ارزان‌ترین و تنها تفریح روستاییان است؛ پس نرخ تولید موالید بالا می‌رود و در دشت و بیابان، بدون تقریبا هیچ‌گونه امکاناتی، از کپر و اتاق‌های بلوکی بچه‌های برهنه با لباس‌های مندرس و پابرهنه بیرون می‌ریزند و در مقابل سرعت نهادهای خیریه و فعالین برای کمک‌های بیشتر و پوشاندن ت‌ها و باهای برهنه و شکم‌های گرسنه و دست‌های بی‌اسباب‌بازی و قلم و دفتر، بیشتر و بیشتر می‌شود. نتیجه؟ روستایی دیگر عزت‌نفس ندارد، از درازکردن دستش خجالت نمی‌کشد، داشته‌هایش را پنهان می‌کند و خواسته‌هایش بیشتر می‌شود و البته تمامی ندارد. تلویزیون، یخچال، بخاری، کولر، فرش، لباس، غذا؛ فهرستی بلندبالا از خواسته‌های بی‌پایان. نته‌تها دست‌های خودش دراز است، بلکه کودکان نیز با همین روش تربیت می‌شوند که همیشه از نداری و فقری که گاه اغراق شده است، طوری سخن بگویند که بیشترین تأثیر را روی مخاطب داشته باشد و مسبب جدی این نتیجه‌تکان‌دهنده، نیکوکاران و فعالانی هستند که از سر مهر و وظیفه انسانی به این کار همت گمارده‌اند. ما در مسیر آزمون، به خطایی جدی رسیده‌ایم و از این‌رو است که باید به‌طورفوری در روش‌های خود تجدید نظر کرده، تغییر مسیر دهیم. آیا این به معنای رهاکردن روستاها و روستاییان است؟ به‌ویجه، روستاییان بسیاری از نقاط محروم و وضعیت روستاییان مناطق فقیرنشین است، که از فقر به سر می‌برند. در عین حال تنبل هم نشده‌اند؛ نشسته‌اند و چشم به راه گروه‌های مختلف نیکوکاری. گویا هرگز یک کشاورز نبوده‌اند. از فرط بی‌کاری، پای بساط تریاک می‌نشینند و همان معیشت نینم‌نیز اغلب بر عهده زنان است که با قالی‌بافی، سوزن‌دوزی یا پته‌دوزی تأمین می‌شود و این تشریمی وحشتناک و قابل تأمل از وضعیت روستاییان مناطق فقیرنشین است. چه باید کرد؟ در یک جمله: تغییر روش. نهادهای خیریه و فعالان در صورت تمایل به ادامه کمک به روستاییان، به یک بازنگری فوری نیاز دارند. اگر به حل مشکلات روستاییان علاقه‌مند و واقف هستید، باید بلافاصله کمک‌های فردی به کمک‌های جمعی تبدیل شود؛ یعنی توانمندسازی روستاییان و انجام امور زیربنایی. جدی‌ترین معضل روستاییان، علاوه بر جاده، نبود یا کمبود آب است. ورود در حوزه راهسازی که وظیفه ساختار دولتی است، اغلب هزینه‌بر است و از عهده نهادهای مدنی خارج؛ اما در بحث آب می‌توان مشارکت کرد. مثلا با حفر چاه‌های آب (آب شرب یا کشاورزی)، خرید کنور و انشعاب آب برای خانواده‌های روستایی که ناتوان از تأمین چنین هزینه‌هایی هستند، خرید کنور گاز برای معدود روستاهای دارای گاز لوله‌کشی‌شده. قدر مسلم انجام چنین اموری که کاملا زیربنایی محسوب شده و

تومان می‌ارزد و ۴۵ هزار تومان به سفره او اضافه می‌شود. از سوی دیگر، تولیدمثل ارزان‌ترین و تنها تفریح روستاییان است؛ پس نرخ تولید موالید بالا می‌رود و در دشت و بیابان، بدون تقریبا هیچ‌گونه امکاناتی، از کپر و اتاق‌های بلوکی بچه‌های برهنه با لباس‌های مندرس و پابرهنه بیرون می‌ریزند و در مقابل سرعت نهادهای خیریه و فعالین برای کمک‌های بیشتر و پوشاندن ت‌ها و باهای برهنه و شکم‌های گرسنه و دست‌های بی‌اسباب‌بازی و قلم و دفتر، بیشتر و بیشتر می‌شود. نتیجه؟ روستایی دیگر عزت‌نفس ندارد، از درازکردن دستش خجالت نمی‌کشد، داشته‌هایش را پنهان می‌کند و خواسته‌هایش بیشتر می‌شود و البته تمامی ندارد. تلویزیون، یخچال، بخاری، کولر، فرش، لباس، غذا؛ فهرستی بلندبالا از خواسته‌های بی‌پایان. نته‌تها دست‌های خودش دراز است، بلکه کودکان نیز با همین روش تربیت می‌شوند که همیشه از نداری و فقری که گاه اغراق شده است، طوری سخن بگویند که بیشترین تأثیر را روی مخاطب داشته باشد و مسبب جدی این نتیجه‌تکان‌دهنده، نیکوکاران و فعالانی هستند که از سر مهر و وظیفه انسانی به این کار همت گمارده‌اند. ما در مسیر آزمون، به خطایی جدی رسیده‌ایم و از این‌رو است که باید به‌طورفوری در روش‌های خود تجدید نظر کرده، تغییر مسیر دهیم. آیا این به معنای رهاکردن روستاها و روستاییان است؟ به‌ویجه، روستاییان بسیاری از نقاط محروم و وضعیت روستاییان مناطق فقیرنشین است، که از فقر به سر می‌برند. در عین حال تنبل هم نشده‌اند؛ نشسته‌اند و چشم به راه گروه‌های مختلف نیکوکاری. گویا هرگز یک کشاورز نبوده‌اند. از فرط بی‌کاری، پای بساط تریاک می‌نشینند و همان معیشت نینم‌نیز اغلب بر عهده زنان است که با قالی‌بافی، سوزن‌دوزی یا پته‌دوزی تأمین می‌شود و این تشریمی وحشتناک و قابل تأمل از وضعیت روستاییان مناطق فقیرنشین است. چه باید کرد؟ در یک جمله: تغییر روش. نهادهای خیریه و فعالان در صورت تمایل به ادامه کمک به روستاییان، به یک بازنگری فوری نیاز دارند. اگر به حل مشکلات روستاییان علاقه‌مند و واقف هستید، باید بلافاصله کمک‌های فردی به کمک‌های جمعی تبدیل شود؛ یعنی توانمندسازی روستاییان و انجام امور زیربنایی. جدی‌ترین معضل روستاییان، علاوه بر جاده، نبود یا کمبود آب است. ورود در حوزه راهسازی که وظیفه ساختار دولتی است، اغلب هزینه‌بر است و از عهده نهادهای مدنی خارج؛ اما در بحث آب می‌توان مشارکت کرد. مثلا با حفر چاه‌های آب (آب شرب یا کشاورزی)، خرید کنور و انشعاب آب برای خانواده‌های روستایی که ناتوان از تأمین چنین هزینه‌هایی هستند، خرید کنور گاز برای معدود روستاهای دارای گاز لوله‌کشی‌شده. قدر مسلم انجام چنین اموری که کاملا زیربنایی محسوب شده و

فراره به جنگل گاهی برای فرار از تمام مشکلات روزمره زندگی شهری، چاره‌ای جز فرار به طبیعت نمی‌ماند. سؤال اینجاست که چه کسانی حاضرند زندگی شهری را ترک کنند و به کلبه‌ای جنگلی پناه ببرند؟ البته این انتخاب نباید ساده باشد. یورونیوز گزارشی از زندگی کاله فلودین، شهروند سوندنی، منتشر کرده است که این انتخاب را انجام داده و دو سال بعد از حضور در طبیعت توانسته است در کانال یوتیوب خود، طرفداران زیادی به دست آورد.

تجربه دیگران

او در سال ۲۰۱۸ میلادی زندگی در جنگلی دورافتاده را آغاز کرد و اکنون روزهایش را در کنار حیوانات خانگی‌اش سپری می‌کند و داستان‌های سبک جدید زندگی‌اش را با دوربین ثبت و در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کند. او درباره امور زیربنایی، جدی‌ترین اجتماع» می‌گوید: «در ۲۹سالگی احساس ناامیدی می‌کردم، من در یک آپارتمان در استکهلم زندگی و از صبح تا پنج بعدازظهر کار می‌کردم؛ بنابراین همه آنچه را که قرار بود «داشته باشم» در اختیار داشتم، اما هنوز یک چیزی کم بود؛ یعنی احساس و هدف». کاله فلودین سپس



حسین ایمانی‌جارجمی

به‌راستی اگر از منظری انسانی به چهره کربه جنگ‌های بشری نگاه کنیم، هیچ طرف برنده‌ای پیدا نخواهیم کرد. حتی آمریکایی‌هایی که با غرور آتش بمب‌های اتمی را به جان مردمان عادی هیروشیما و ناگازاکی انداختند و هزاران جان را در کسری از ثانیه بدل به بخار و شهرهایی آباد را خاکستر کردند تا این دنیا باقی است باید شرمساری این جنایت هولناک را در وجدان تارام و سرکوب‌کرده خود حمل کنند. اما چه می‌شود کرد؟ جنگ از خصوصیات زندگی آدم‌ها روی کره زمین است. حتی کشورهایی همسایه که از هر نظر تاریخی، فرهنگی و اجتماعی به هم شباهت دارند، در زمان شعله‌ورشدن آتش جنگ، تمامی اشتراکات را مثل آب‌خوردن به کناری نهاده و بدترین بدی‌ها را در طرف مقابل برای توجیه کشتن، سوختن و نابودکردن پیدا می‌کنند. ماشین جنگ که راه افتاد، تو را با خودت می‌برد، چه بخواهی چه نخواهی. واژه‌هایی مثل شجاعت، دلیری، مردانگی و جسارت در جنگ معنای خود را پیدا می‌کنند و هنگام اوج‌گرفتن چنین گفتمان پراکنی‌هایی، آنچه کمتر به چشم می‌آید هزینه‌های وحشتناکی است که مردم با جان و مال خود پرداخت می‌کنند. شاید یکی از بهترین توصیف‌ها از این وضع را بتوان در بخش کوتاهی از فصل بیست‌وهفتم

روزنامه شرق

زیر پوست شهر

بی‌توجه به سالمندی

نبی‌اله عشقی‌ثانی

● روز جهانی سالمندان را در حالی پشت‌سر گذاشتیم که در اوج بحران کرونا هیچ توجه ویژه‌ای به آنان نشد. روزی جهانی به این مهم اختصاص داده شده تا کشورها در این روز به سالمندان توجه و آنان را تکریم کنند و ما بی تفاوت از کنارش گذشتیم. توسعه علم و دانش در دهه‌های اخیر و رعایت مراقبت‌های بهداشتی و درمانی از سوی مردم موجب بالا رفتن طول عمر و افزایش امید به زندگی تا حدود ۹۰سالگی شده است؛ به‌طوری‌که اگر ۶۰سالگی را آغاز سالمندی بدانیم حدود یک‌سوم عمر انسان‌ها در دوران سالمندی سپری می‌شود و آمار سالمندان جهان به یک میلیارد نفر رسیده است. سازمان بهداشت جهانی سالمندان را به سه گروه تقسیم کرده است: کم، ۶۰ تا ۷۴سالگی را سالمندی جوان؛ دوم، ۷۴ تا ۹۰سالگی را دوران سالمندی و سوم، ۹۰سالگی و بیشتر را سالمندی پیر نامیده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که توسعه‌یافته‌ترین کشورها سالخورده‌ترین جمعیت سالمندی را دارند، از این نظر، اروپا پیرترین قاره جهان است؛ زیرا ۲۰درصد جمعیت آن پیر هستند. این موضوع برنامہ‌ریزی طولانی‌مدت اقتصادی و اجتماعی را ضروری کرده است، برنامه‌هایی که باید زندگی سالمندان را از ابعاد جسمی، ذهنی، روانی و فرهنگی در یک دوره ۳۰ساله مورد توجه قرار دهد. اکنون کشورها باید منابع بیشتری را صرف اجرای طرح‌های حمایتی، مراقبتی و بهداشتی- درمانی برای سالمندان کنند تا زندگی برای آنان در آخرین مرحله حیانشان قابل تحمل و همراه با سلامت، شادابی و نشاط باشد.

برنامه‌های مراقبت از سالمندان مسئولیت جدیدی برای کشورها ایجاد کرده است که تاکنون چندان مورد عنایت قرار نمی‌گرفت. اگرچه سالخوردگی جمعیت بر اساس نظر سازمان بهداشت جهانی یک موفقیت است، در صورت عدم برنامه‌ریزی تبدیل به چالشی مهم می‌شود. در کشور ما سالمندان ۸۰٫۷ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که همچنان رو به افزایش است؛ به‌طوری‌که در ۱۰ سال آینده به هشت میلیون نفر می‌رسد و این هشدار مهمی برای برنامه‌ریزان کشور است تا از هم‌اکنون برنامه‌های حمایتی، مراقبتی، رفاهی و بهداشتی مناسب با دوران سالخوردگی را مورد توجه قرار دهند. از منظر پزشکی با افزایش زندگی در دوران سالمندی به حدود ۳۰ سال از زندگی فرد، ضرورت‌های مراقبتی، بهداشتی و درمانی اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. اختلال حافظه و شناخت در سالمندان افزایش یافته و گسترده می‌شود که از موضوعات مهم در طب سالمندی است؛ به‌خصوص که می‌تواند پیامدهای مهمی مثل زوال عقل یا آلزایمر را همراه داشته باشد و به چالش اصلی سالمندان و خانواده آنها تبدیل شود؛ ضمن آنکه بروز بیماری‌های قلبی- عروقی و سرطان نیز در سالمندان نسبت به سایر گروه‌های سنی افزایش

بالا‌تری دارد. از منظر زندگی اجتماعی و خانوادگی اگرچه حضور سالمندان در خانواده و در کنار فرزندان، نوه‌ها و نتیجه‌ها باعث نرکت و شادابی محیط خانواده است و انرژی بسیار مثبتی ایجاد می‌کند و به روابط خانوادگی عمق می‌بخشد، مسئولان سازمان بهزیستی می‌گویند: حدود ۲۰ هزار نفر از سالمندان در ۳۰۰ مرکز نگهداری و خانه سالمندان در نقاط مختلف کشور زندگی می‌کنند که آنها هم مشکلات و چالش‌های خود را دارند. نکته پایانی آنکه جمعیت کشور رو به سالمندشدن است. بنابراین برنامه‌ریزان باید از هم‌اکنون به فکر ارائه طرح و برنامه‌هایی باشند که در دوران پیک سالمندی کشور به آن نیازمند است.

سلام به فردا

شهرهایی که کمر خم کردند

می‌شد بعدا تکذیبش کرد یا آن را بی اعتبار دانست، شد آتش تهیه جنگی دیگر در خاورمیانه؛ اما این‌بار بسیار طولانی که معلوم نیست چه زمانی می‌توان به اطفای آن در کشور همسایه امیدوار بود. از قربانیان جنگ، شهرها را هم می‌توان یاد کرد؛ جاهایی که روزگاری به آبادی و خرمی خود می‌نازیدند اما جنگ آن چنان بلایی سرشان آورد که دیگر کمر راست نکردند. تبدیل جایی به یک شهر درست‌وحسابی کار ساده‌ای نیست. هزاران عامل باید دست به دست هم بدهد تا باده‌ها و بیابان‌هایی بشود مثلا آبادان و خرمشهر؛ بشود بستان و سوسنگرد یا کرمانشاه. شهرها فقط کالبد و ساختمان نیستند، آنها را ظاهرا می‌شود دوباره ساخت، آنچه به شهرها جان می‌دهد، آدم‌هایی است که در آنجا زندگی می‌کنند و روابطی است که با هم دارند. هویت مشترکی است که از گذر سال‌ها کنشگری اجتماعی بنا می‌کنند، سرمایه اجتماعی است که از رهگذر هر سلام و هر بوی خوش آشنایی، به‌سختی و در گذر زمان جمع می‌شود اما به‌سادگی با پراکنده‌شدن و آواره‌شدن آدم‌ها در زمانی کوتاه دود می‌شود و به هوا می‌رود. در زمان کارشناسی امروز به توان شهر برای برگشتن به حالت عادی خود می‌گویند تاب‌آوری. اکنون ده‌ها سازمان ریز و درشت روی این موضوع کار می‌کنند که چگونه می‌توان شهرهایی تاب‌آور داشت، اجتماعی‌انسانی که از پس بلایایی همچون سیل، زلزله و جنگ برآمده و به زندگی عادی برگردند. تجربه گران ما از جنگ و دیگر بلایا می‌گوید چنین کاری آسان نیست. آبادانی و خرمی که رفت دیگر به این سادگی‌ها برنمی‌گردد.

روزنامه شرق

رسانه

مردم، گرانی و آینده رسانه‌های مکتوب

پایین آمده است، آیا می‌توان به آینده نشریات مکتوب امیدوار بود؟ آیا در شرایطی که ذکشر رفت، مردم ترجیح نمی‌دهند نیازهای خبری خود را از رسانه‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی که دسترسی به آنها هزینه کمتری برایشان دارد برآورده کنند؟ پاسخ به این پرسش‌ها، البته که پیچیده، سخت و چندانیه است اما هیچ تحلیلی، چشم‌انداز کوتاه‌مدت را بهبود وضعیت طبقه متوسط و افزایش سهم فرهنگ در سید خرید خانوار پیش‌بینی نمی‌کند. پس چه باید کرد؟ آیا باید به کلی امید شد و دست از تلاش برداشت؟ آیا هیچ نشانه‌ای از بهبود اوضاع در حوزه نشریات مکتوب به چشم نمی‌خورد؟ پاسخ به این پرسش هم مثبت است و هم منفی. مثبت است چراکه واقعیت، کاهش قدرت خرید فرهنگی خانوار، اولویت تأمین نیازهای معیشتی بر نیازهای تانویه و در نتیجه کاهش اقبال به خرید نشریات مکتوب است. منفی است چراکه هنوز هم مخاطبان زیادی هستند که با وجود مشکلات بسیار اقتصادی، مشتری پروپاقرص روزنامه‌ها و مجلات هستند که اگر جز این نبود، این همه مجله خوب و تعداد کمتری روزنامه خوبی که این روزها منتشر می‌شوند، علی‌القاعده بایستی بدون مخاطب مانده، فروخته نشده و در نتیجه تعطیل می‌شدند. اینکه هنوز هم نشریات خوب مکتوب دارند، کار بارانه، آگهی، کمک‌های داوطلبانه و سایر منابع درآمدی است که نشریات مکتوب بعضا در اختیار دارند اما واقعیت اینجاست که اگر نشریه‌ای فروشده، تعطیل می‌شود و اینکه هنوز کیوسک‌های مطبوعاتی رونق اندکی دارند، یعنی مردمی هستند که برایشان پول می‌دهند و هر روز و هر ماه، مبلغی را برای سبد خرید فرهنگی خانوار کنار می‌گذارند.

این شعور برخاسته از دغدغه، تنها امید این روزهای اهادلی نشریات مکتوب است؛ شعوری که بخشی از طبقه متوسط و البته درصد کمتری از طبقه بالا یا پایین، حامل آن هستند و به اهمیت فکر و فرهنگ در زندگی قائل‌اند؛ اینکه گاه نیازهای مثلا ثانویه حتی می‌تواند مهم‌تر از نیازهای اولیه یا در عرض آن باشد و به‌هیچ‌وجه نباید از آن روی برگرداند. این نگاه و دغدغه، وظیفه سنگینی را بر دوش روزنامه‌نگاران و اهالی رسانه‌های مکتوب می‌گذارد؛ اینکه باید کار کرد، خوب کار کرد، محصول حرفه‌ای و قابل دفاعی را برای آنها تولید کرد و این پیام را به آنها منتقل کرد که «شما به نشریات مکتوب، به روزنامه‌ها و به مجلات نیاز دارید»؛ از آنها روی برگردانید....

اتفاق

در بررسی جدیدی نشان داده‌اند که هوش مصنوعی می‌تواند کووید۱۹ را با دقت یک پزشک در ریه‌ها تشخیص دهد. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که این روش می‌تواند بر برخی از چالش‌های آزمایش‌های کنونی غلبه کند. پژوهشگران در این پروژه نشان دادند که شاید بتوان الگوریتم هوش مصنوعی را آموزش داد تا این بیماری را ۹۰ درصد دقت در تصاویر سی‌تی‌اسکن تشخیص دهد. همچنین پژوهشگران دانشگاه سین سینباتی یک درمان احتمالی یافته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که شاید بتوان از نوعی چربی در بدن انسان برای پیشگیری از ابتلا به کووید-۱۹ در درمان آن استفاده کرد. این لیپید موسوم به اسفنگوزین، یک عنصر طبیعی است که نقش مهمی در سوخت‌وساز لیپید همه سلول‌ها و دفاع ایمنی بر عهده دارد.

اتفاق

الگوریتمی برای کرونا پس از ۹ ماه گسترش کرونا در زندگی مردم جهان به نظر می‌رسد دیگر باید سختی زندگی را کرونا را پذیرفت. مردم هند به دلایل متعدد منظر کشته‌شدن ۱۰ میلیون نفر از ساکنان این کشور هستند و گزارش‌ها نشان داده که حداقل ۶۳ میلیون نفر در این کشور به کرونا مبتلا شده‌اند. آمریکابه‌خصوص در کاخ سفید سعی می‌کند با بی‌اعتنایی از کنار این ویروس بگذرد؛ البته راه‌حل غلبه بر آن برای رئیس‌جمهور ساکن در کاخ سفید جزء ابزار تبلیغاتی است. باین‌حال، می‌توان با خواندن اخبار و کام‌هایی که دانشمندان برای غلبه بر این ویروس برمی‌دارند، امیدوارتر بود. غیر از سگ‌هایی که در فنلاند از عرق بدن مسافران به تشخیص کرونا در آنها پی برده‌اند، به گزارش ایسا و به نقل از سیناس‌دیلی، پژوهشگران «دانشگاه مرکز فلوریدا» سالمندی کشور به آن نیازمند است.

الگوریتمی برای کرونا

پس از ۹ ماه گسترش کرونا در زندگی مردم جهان به نظر می‌رسد دیگر باید سختی زندگی را کرونا را پذیرفت. مردم هند به دلایل متعدد منظر کشته‌شدن ۱۰ میلیون نفر از ساکنان این کشور هستند و گزارش‌ها نشان داده که حداقل ۶۳ میلیون نفر در این کشور به کرونا مبتلا شده‌اند. آمریکابه‌خصوص در کاخ سفید سعی می‌کند با بی‌اعتنایی از کنار این ویروس بگذرد؛ البته راه‌حل غلبه بر آن برای رئیس‌جمهور ساکن در کاخ سفید جزء ابزار تبلیغاتی است. باین‌حال، می‌توان با خواندن اخبار و کام‌هایی که دانشمندان برای غلبه بر این ویروس برمی‌دارند، امیدوارتر بود. غیر از سگ‌هایی که در فنلاند از عرق بدن مسافران به تشخیص کرونا در آنها پی برده‌اند، به گزارش ایسا و به نقل از سیناس‌دیلی، پژوهشگران «دانشگاه مرکز فلوریدا» سالمندی کشور به آن نیازمند است.

الگوریتمی برای کرونا

پس از ۹ ماه گسترش کرونا در زندگی مردم جهان به نظر می‌رسد دیگر باید سختی زندگی را کرونا را پذیرفت. مردم هند به دلایل متعدد منظر کشته‌شدن ۱۰ میلیون نفر از ساکنان این کشور هستند و گزارش‌ها نشان داده که حداقل ۶۳ میلیون نفر در این کشور به کرونا مبتلا شده‌اند. آمریکابه‌خصوص در کاخ سفید سعی می‌کند با بی‌اعتنایی از کنار این ویروس بگذرد؛ البته راه‌حل غلبه بر آن برای رئیس‌جمهور ساکن در کاخ سفید جزء ابزار تبلیغاتی است. باین‌حال، می‌توان با خواندن اخبار و کام‌هایی که دانشمندان برای غلبه بر این ویروس برمی‌دارند، امیدوارتر بود. غیر از سگ‌هایی که در فنلاند از عرق بدن مسافران به تشخیص کرونا در آنها پی برده‌اند، به گزارش ایسا و به نقل از سیناس‌دیلی، پژوهشگران «دانشگاه مرکز فلوریدا» سالمندی کشور به آن نیازمند است.